کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۷۷۱۷

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

شمارهٔ ثبت کتاب

۲۰۸۸۸۲

کتاب علم عروض

مؤلف

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۷۷۱۷

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

شمارهٔ ثبت کتاب

۲۰۸۸۲

کتاب علوم غریبه

مؤلف

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۷۷۱۷

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب جنس و سبب نامه علت ۱۰ اطفال سیر ساند بدانکه ملک الارواح
از دیده مردم پنهانند و بنی آدم این ن را نمی بینند و چنی آدم
از یاد حق غافل میشود یا چیزی بر تاب کنند و یا بیندارد و نام
خدای تعالی یاد نکنند و قوم ملک الارواح را بجوش کنند و ایشان
نیز بر اطفال وی حضرت رسانند و الحال حق سبحانه و تعالی
این مخلوق را خلق ساخت و در بهشت هر روز نان خرزه قرار
داده که چنی با یکدیگر جمع شوند اتزال شهوة کنند نطفه حاصل
شود در رحم آید و هیچ مخلوق را حق سبحان و تعالی بی بهره نیا
فریده بعض اتزال شهوت میکنند نطفه میسر میشود و بعض
اتزال شهوت میکنند نطفه ام میسر میشود بعد چهار ماه جنین
میگردد و بعض دیگر بعد از یکماه و یا دو ماه و یا سه ماه جنین
بمرور از عالش نقصان بهم میرسد تا جز و ناپود گردانند نوعی
که اکثر این ن را از یک زده شده و یا بر یکبار از هم وضعش
مرفاف شکم و یا در حین اکثر این علتها الا فت قوم ملک
الارواح است و تحقیق باید دانست اگر کسی ۲ بدین واقعه
پیش آید اسم صاحب واقعه و باسم ام او جواب ابجد خویش بردارد
و مجموع ۹ هفت هفت طرح کنند به بیند که چند باقی میماند

۱۷۷۱۲
۲۰۸۸۸۲

اگر یک ماند روز یکشنبه و باشب چهارشنبه بموقت آب گرم
ریخته و نام خدای عزوجل یاد نکرده یکدیگر خبر ایشان نداده و
بحرمه که ایشان نیز شه افت بران او رد ادا نشده اند اول انکه
چنین اتران شهوت کنند نظفه نبسته نشود دوم انکه چنین اتران شهوت
کنند چنین از موعد یکهفته یکدیگر دیکدیگر و او را ضایع و ناخیر کنند
سیم انکه چنین اتران شهوت کنند نظفه بسته گردد فرزند متولد
شود و ناخنهایش کبود شده و شه روز بیشتر نماند اگر چهار
روز یکشنبه باشب آنش بر سر ایشان ریخته و یکی از ایشان
فوت شده و اقربای او بدین صاحب واقع خصم حاصل کنند بنوعی
که نگذارند از اطفال بهره یابد ناچیز و نابود گردانند اگر شه ماند
روز شه شنبه نحوی کشته باشد که آن از جایرت جنیان
بوده بصورت خوک گردیده و انجاعت نیز خصم او حاصل
کنند و اولاد او را مضرت رسانند که در روی زمین سعدی
باشد اگر چهار ماند روز چهارشنبه باشب پنجشنبه بچه
بریان و در زیر پای گرفته فوت و انجاعت خصم میکنند
بنوعی که انام حمل شدن مکرر ضعف دل حاصل کند و خاصه
امزاج نباشد و اطفال او را ناچیز و نابود گردانند اگر پنج
ماند روز پنجشنبه باشب شنبه سنگ بر آب کرده و یک
دست بر سقط کرده و آن پیری چندانکه زنده است

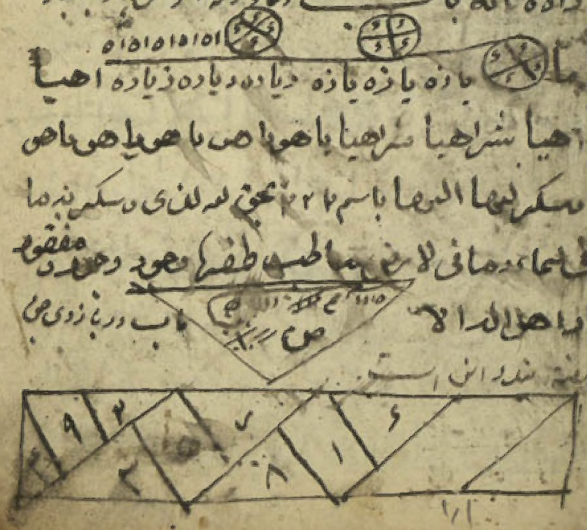

باب نوع دیگر کودک که شیر نخورد این را بنویسید و بر بازوی
او بندد و قال شیر خورد و ضربنا علیه لم رضع من قبل
فقالت هل ادلکم علی اهلبیت یکفلونه لکم
تا صحت باب دیگر کودک که شب نخوابد بنویسید بر

باب

دهانه زنی که فرزند نشود بنویسد این طلسم را بر بازوی چپ بندد و
ضد اینها فرزند بسیار کرامت فرماید

باب

طفلی که دیر براه افتد با دیر با بگرد الله عالم بموم گرفته و در آب اندازد
و کودک را در آن آب غسل دهد بر کردن طفل بندد که زود براه
افتد محراب البته بسم الله الرحمن الرحیم

وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون والصقت الساق بالساق الی ربک یومئذ المساق فلا صدق ولا صلی ولکن کذب

کردان بحق طلسم نزد کو او

۱۱۱۹۹۷۹۳۱۱۱۶۱۵

۱۱۱

المستعين توكلت على الله عليك يارب ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم دعاى ماه بهمن لا اله الا انت
الله الملك الجبار لا اله الا الله الملك القهار
لا اله الا الله الكريم البتار لا اله الا الله
الجليل الجبار لا اله الا الله الملك الحق المبين
دعاى ماه بيجم لا اله الا الله الملك الحق المبين لا اله الا
الله محق الباطل الاحد اشهد ان لا اله الا الله
البهاء احد دعاى ماه نهم احد احد صمد فرد وتر حى
قيوم بالله العظيم بالله والفتح بالله والقوة
ماه هفتم لا اله الا الله الحكم الكريم لا اله الا الله العلى العظيم
لا اله الا الله الملك الحق العدل المبين ماه هشتم سبحان الله
رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما
فيهن وما بينهن وما فوقهن وما تحتهن
وهو رب العرش العظيم دعاى ماه نهم لا اله الا الله هو
والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا الله هو العزيز الحكيم

دعاى سيزده موكله ودر رفع بلا وبزرگى محبت بسم الله الرحمن
مسكبس وطبرس اس عوس كيف يسطيف يسطيس اكوس
انتم الله سطيهم اللهم انكسترى وعلى النبى فاقبل بعد رو بين
وبعلم حاجتى واصطلحنى ما فى بغفران فاغفرنى ذنوبى بسم الله الهاى
رفع فلك كرسى را بكو محمد وآله اجمعين باب

دخول حمام ودر حمام واخل خانه نشستن مسكت را در حمام بره
كاغذ نو بسيد وهر چه را در حمام كنج خانه دفن كند بسم الله الرحمن
الرحيم هحه ونحه وبهود مهسا الحبا واطراد
ملا ابن اسامى رسفال نو بسيد در حمام كوشه
باغ دفن كند ملخ وكرس وكرم در ان ع نيايد واسامى اين ست
باقوسا باسلوسا باطوسا ياعوسا بحق اهيا
شراهيا حمه كى حدرن طهى اين دعا را بكم مرع سياه

و بخور دهند و هفت حرف طلسم بر طرف شود قل اعوذ برب الفلق
اعوذ بک من همزات الشیاطین و اعوذ برب ان یحضرون باب
بسم الله الرحمن الرحیم هر چه سراچه دنیا هست
در صاحب راست باشد در گوش راست بخواند اگر حیا ورد اگر دکش
چپ باشد در گوش راست بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
لو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی
بل لله الامر جمیعا ا ب ا ب ا ب ا ب ا ب ا ب ا ب
ا ب ا ب ا ب ا ب قل اعوذ برب الفلق ا ب ا ب ا ب ا ب
۱۱۱۲ ۱۱۱۲ ۱۱۱۲ 

باب ــــــ دعای در دلستان بنویسد

در دلستان بندد و در ساکن شود و به ارمه مجرب است تا الـ
الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا علیهم ابواب فاذا
دخلتموها فانکم غالبون اولئک الذین انعم الله علیهم
من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین
اولئک رفیقا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب ــــــ اگر زنی را که فرزندش
نشود چون از حیض فارغ شود بعد از غسل این طلسم را بر جامهٔ پاکی
بنویسد بگیرد و در آن شب حامله شود به اذن الله فرزند حاصل شود و
که اسمای که بر درخت که بارندها بنویسد به بندد بر قدرت
خدای تعالی ملاحظه کند و طلسم این است

| | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ما | ط | ه | ا | ح | ح | ح | ط | ح | ا |
| ا | ا | ه | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |

باب ــــــ دعای در دستجوای دعا را

بنویسد بر پشت بندد این است بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا
ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی
الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر
ففتحنا علیهم ابواب کل شیء اسم ف ا ن ف ا ا ل م ا ل ا ن
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون

باب ــــــ رفع دردش بنویسد این
اسماء را بنویسد و در بازو بندد بقدرت خدای تعالی حامله گردد

باب ــــــ اگر کسی را هیچ وقت فرزند
نشود این دعا را نوشته با خود دارد فرزند گردد و اهل افتقاد که بر درخت
به بندی بر گردد محرب است بشرط انکه بیک زن نگاه دارد و
که این است علی علی علی علی علی علی علی علی علی علی علی علی

الا ا ا 

انت یا رب کل شئ وورثته یا الهه الهه الربح
الجلاله یحق یا اله المحمود فعاله برحمتک یا ارحم الراحمین
بحق لا اله الا احمد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
وعلیه السلام یا ــــــــ

کاغذی محلی طلسم را به تبر بنویسد و در آتش اندازد و
تا سرخ شود از نور راح تبر ازل کند تا کن ده شود
[illegible]

[illegible] یا لطاعتک وکرمک یا ثواب والمغفرة هذا الا
یا ــــــــ دعا را بر بدن
زنان و طفلان خوانده زنان و بخواه گوید طلسم را تا گیرد و
طلسم عقیق سرخ بر قدح صاف طفل یا زن بگیرد و سه کره بر بند و هر کره
دعا را بخواند از آن یک کره را بر دست چپ بند و دیگر را
بر قبر تا خل کند و یکی را در آب اندازد و این دعا را
نوشته یا زن یا کودک او بزند بحرمت بحق آله [illegible]

اجمعین

اصبح حامل الکتاب بکتابه اقضاء الله حاجاتها
کل حاجة وصل کل حاجتی حاجة وسبع همها فی الدنیا والآخرة
سلامی زمین چون کوه بر زمین آهنین یا ارحم الراحمین و یا بسیار
اجمعین و صلی الله علی محمد وآله
یا ــــــــ اسم کوک را بنویسد
و در بدهند کهربا را بنده ساکی نوشته است

| | | | |
|---|---|---|---|
| سلام | تولا | من دب | دیم |
| ۲۵۳ | ۲۵۴ | ۱۳۴ | ۲۳۶ |
| ۵۲۶ | ۴۰۶ | ۳۹ | ۱۳۳ |
| ۱۳۸ | ۱۳۴ | ۲۵۸ | ۹۹۱ |

یا ــــــــ دعا را طاعون
دعا را که کاوید خانه ان است
ها ۱۱۱ حی لعم یا الله یا حی یا قیوم یا قدیم یا
یا ــــــــ دعا را که در کلو
لعم باجران رفته باشد کنید عارا بر پاره کاغذ بنویسد و

همتاو میلیون میلیون طرد اجابت کرداد
یاسخائل سامعا مطیعا بستم بستم که بسة باد
بود و نابود فرزند فلانه الی فلانه اللهم
اسماء اسماعودی اجابت کرداد یامطا
ئل بستم بستم که بسة باد بود و نابود فرزند
فلانه الی فلانه اللهم یامیلخا ملکودی یاجرئل
اللهم یاعلاا اسمعیل اعلمه یی ئودی اللهم مشمخ
مشمخیشا مشلامیودی بستم بستم که بسة باد
بود و نابود فرزند فلانه الی فلانه
اغا امرع اذا اراده شیئا یقول له کن فیکون
توجهت بجمعک یا ارحم الراحمین
زنی که حمل باشد فرزندش نماند اسم دعا نوشته در گردن ببندد
و فارغ شود باز وقت طفل بیرون بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا حی
یا حی یا حی یا قیوم یا ذالجلال والاکرام
اسئلک باسمک العظیم ان ترزقنی ولدا

صالح

صالحا طیبا بجمعک یا ارحم الراحمین وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین

| | |
|---|---|
| ۳۱ السلوا سهمیع | ۱۱۱ م ۱۱۱ کم ۱۱۱ |
| ۳۳۳ ۳۳۳ ۲۲۹ | ۱۱۱ طعرط ۱ ۳۱ عر |
| ۱۱ سوا سوا هو سهوار | جواب بوحان ۱۱۱ ل |

اللهم ارزق فلان ابن فلان ولدا ذکرا سالما مبارکا
وصلی الله علی محمد وآله اجمعین

عجبه نابود شدن فرزندان از اول ماه تا نهم ماه تمام شود

سلامت بوجود ایدا اول باید شش اسم را بنویسد
و هر یکی را یک ماه تا شانزده و آن نه دیگر را اول تا شش ماه
سر تن خود را بشوید و شکم ضایع نشود دعا اول ماه هفدهم

فسخرنا له الریح بامه رخاء ماه حم حیث
اصاب والشیاطین کل بناء ماه سم
وغواص واخرین فی الاصفاد ماه جاثیه
حم حم حم ۰۰ یلده دوح ماه ششم

ماه هفتم سر تن را بشوید ابتدا ماه هفتم

ماه ششم

ماه نهم ۵۴ ۱۱۶ ۱۳۵ ۴۳ و اینم دعاء نوشته زنی
که فرزندش نمانده تخم مرغ بفشد در جائی که مادر زائیده پارچه سفید بگیرد
و فن نماید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء
طهع طهع طهع اسکنی دار السلام بحق
بحق الابقی بحق علی الابقی بحق ادهی الجن
الاعسی الاکرم دست حامدی

دعای چله بنویسد بر کردن بنده بسم الله الرحمن الرحیم
ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من
حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لکل شیء قدرا وان الذین کفروا وقضا
بالله العلی العظیم فامنا به ولن نشرک بربنا
احدا بسم [illegible] یاد روحه و آفت
همزاد و بریدم چله فلان ابن فلان بحق توراة
موسی

موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابی الحکم
والقرآن محمد المصطفی صلی الله علیه وآله اینم طلسم نوشته
در روز چهارشنبه از هفت آتشدان همانا خاک زیر هفت ناودان
ایک از هفت قبر خاک از راه هفت خاک از هفت طریق برک
درخت میوه از هفت طریق سوی حیوانات که بخیس العین بنا شیر
از هفت چشمه یا چاه آب بعد دیگ سر بار کذا شتم چهل پیاله
پیمانه کرده اسباب مذکور و میان دیگ ریخته مع
طلسم میان آب مذکور انداخته مرد زن هر دو سر من نهم
بشوید از اینم آب سه طاس مرد ریخته و سه طاس
زن ریخته و بعد از آن روز پنجشنبه منت حاجت روزه
روزه بگذارند و شب جمعه ام دعای دیگر و در آب
انداخته بخورند دعا اللهم بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله العزیز فی علوه عزة عز من عشر بیان العزیز
ذلة القدیر بعزة لا تقتلنی فرد و انت
خیر الوارثین ربنا و کل ربنا و هبلنا من

من ۱۰ ذواجنا و ۱۱ یا تاشرة اعبدنا و حلنا
المتقین ۱۰ اما و صلی اللہ علی محمد و الہ اجمعین

| | | | |
|---|---|---|---|
| هوا | وده ۱۴ | دت ۱۱ | لک ۸ |
| طط ۱۲ | ح ۷ | رع ۲ | وو ۱۳ |
| هوء | من ۹ | ۱۶۲۲ | دس ۳ |
| حق ۱۵ | دس ۴ | دوج ۵ | وذ ۱ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| الحمد ۱ للہ | رب العالمین ۳ | الرحمن ۲ | الرحیم ۴ |
| مالک یوم الدین ۵ | ایاک ۱۰ | نعبد ۱۱ | وایاک ۶ |
| نستعین ۹ | اهدنا الصراط ۷ | المستقیم ۸ | صراط الذین ۱۲ |
| انعمت علیهم ۲ | غیر المغضوب ۱۳ | علیهم ۱۴ | ولا الضالین ۱ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| یو | ج | یج | ب |
| ط | و | یب | ز |
| د | یه | ا | ید |
| ه | ی | ح | یا |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء |
| ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء |
| ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء |
| ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء |
| ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء |
| ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء | ۳ء |

بسم الله الرحمن الرحيم

لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه

باب دعای سر زیاه طفل نبوسد در کردن بندد

بسم الله الرحمن الرحيم الكبير ٤ ح ٥ مرتبه مملی

وع حم دوع دموعه سعیا فلان ابن فلان صقلع

بحق هذه الاسماء آیات یا رب العالمین

باب جهت محافظت فرزند در بطن زنان سقط نشود

این دعا را بنویسد در گردن زن حامله بندد بیچ وقت

نشود دعا مجربست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اجعل

لجفت وعظمه احفف ولا ارث قل الله

حفظ عمران من کل شیئ هو اهون سبا سماء

نسمک الفظم رب اجعل جبرئیل ومیکائیل و

اسرافیل وعزرائیل دعوا الیمین وعن

شمال فلان ابن فلان وخلق الانسان من سلالة

من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین

ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا آخر فتبارك
الله احسن الخالقين بسم در دل فلان ابن فلان
بسم الله الشافي بسم الله الكافي بسم الله الشافي بسم الله
الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا
في السماء وهو السميع العليم باب دعاي تسبيح زبان
زياده شود يا بيت صه صه صه صه صه صه
صه صه صه صه صه صه صه صه صه صه صه صه
لا ١١١١٩ لا
١١٩١ لا ود باب دعاي موزيم ماء بخواند
بسورة النمل يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم
لا يحطمنكم سليمان وجنوده وهم لا يشعرون
باب دعاي زدودي آدم و نشر در كردن بنود الله
لا اله الا هو الحي القيوم و نبت الوجوه
الا له م

للي القيوم بستم زردي فلان ابن فلان را بحق محمد وآله
محمد باب آكر زن دشوار زايد اين دعا را برسيج مرغ
بنويسد بدهد زن بخورد و همان زن بار نهد دعا اينست
اللهم ولدي طريقه الصاد يا قاضي الحاجات
يا مجيب الدعوات يا خالق البركات يا الله
يا الله يا الله يا رب يا رب يا رب ياهو ياهو
ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو
ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو
ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو
ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو
ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو ياهو
برحمتك يا ارحم الراحمين

باب اگر فرزند در شکم مادر مرده باشد این طلسم را بنویسند و بخورد
اگر در شکم مادر پاره پاره شده باشد بیرون می آید باذن الله تعالی دعا

ابنت سعن سعن سعن سعن سعن سعن سعن سعن

باب اگر کسی را بیخ دوست ندارد باید این دعا را بنویسد
و بر کمر بندد و بسم الله الرحمن الرحیم زین للناس حب
الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة
والخیل المسومة والانعام والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله
عنده حسن المآب قل أؤنبئکم بخیر من ذلکم للذین اتقوا عند ربهم
جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها وأزواج مطهرة ورضوان من الله
والله بصیر بالعباد الذین یقولون ربنا إننا آمنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا
عذاب النار الصابرین والصادقین والقانتین والمنفقین والمستغفرین
بالأسحار شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائکة وأولوا العلم قائما
بالقسط لا إله إلا هو العزیز الحکیم إن الدین عند الله الإسلام وما
اختلف الذین أوتوا الکتاب إلا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم
ومن یکفر بآیات الله فإن الله سریع الحساب فإن حاجوک فقل أسلمت
وجهی لله ومن اتبعن وقل للذین أوتوا الکتاب والأمیین أأسلمتم
فإن أسلموا فقد اهتدوا وإن تولوا فإنما علیک البلاغ والله بصیر
بالعباد إن الذین یکفرون بآیات الله ویقتلون النبیین بغیر حق
ویقتلون الذین یأمرون بالقسط من الناس فبشرهم بعذاب ألیم
أولئک الذین حبطت أعمالهم فی الدنیا والآخرة وما لهم من ناصرین
ألم تر إلی الذین أوتوا نصیبا من الکتاب یدعون إلی کتاب الله
لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم وهم معرضون ذلک بأنهم قالوا
لن تمسنا النار إلا أیاما معدودات وغرهم فی دینهم ما کانوا
یفترون فکیف إذا جمعناهم لیوم لا ریب فیه ووفیت کل نفس ما
کسبت وهم لا یظمون قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء
وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر
إنک علی کل شیء قدیر ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هدیتنا وهب لنا
من لدنک رحمة إنک أنت الوهاب ربنا إنک جامع الناس لیوم لا ریب
فیه إن الله لا یخلف المیعاد ربنا ظلمنا أنفسنا وإن لم تغفر لنا
وترحمنا لنکونن من الخاسرین ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمین
ونجنا برحمتک من القوم الکافرین ربنا أفرغ علینا صبرا وتوفنا
مسلمین لا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم

هر که خواهد اولاد بر کامند نویسد و بر بازو بندد و کارهای بسته
گشاده شود شکر او ورد کافر شکند

باب چون فرزند در شکم مادر قرار نگیرد و کاری دعا نوشته
در کمر زن بندد بچه دیگر ضایع نشود و دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

باب دعای کلان خوردن
کودکان اینست وآن الشجرة أکلوم طعام العظم
باب گریه کردن و خواب نکردن کودک نویسد و زیر
سر کودک بنهد بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم الله الله
الله الله الله الله الله طه طه طه لا إله إلا أنت
سبحانک إنی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم
وکذلک ننجی المؤمنین وصلی الله علی محمد وآله أجمعین زیادت شدن
روغن در وقتی که بگیرند در میان شیر اندازند و روغن
او زیاده شود بسم الله الرحمن الرحیم لا إله إلا الله إلی القیوم
وتشهد لا إله إلا هو العزیز الحکیم

الحکم یا الذی عز کل شیء لا الٰہ الا انت سبحانک
حمیتک یا ارحم الراحمین زیادہ شدن روغن فلان آنچنان
یا رب العالمین کودک لاغر شود کہ گوشت نکرد بحال
خود یا رب الرحمٰن الرحیم آل آل طاء طاء کوہی کوہی
ھی ھی حی حی حی حی ۴ باب اگر زن حامله ورد جنگ
کند این دعا را نوشتہ دران خانہ دفن کند ربنا
جعلنا من ازواجنا قرة عین واجعلنا
للمتقین اماما واصلح لی فی ذریتی انی تبت
الیک وانا من المسلمین وان امرأة خا
فت من بعلها نشوزا او اعراضا فلا جناح
علیهما ان یصلحا بینهما صلحا خیر اللهم
وصلح م م دعای برزه بسم الله یا علیم یا
علیم یا علیم یا الوحی الوحی
اگر زن

اگر زن را فرزند نشود یا نشود نماند این طلسم را بر چهار سنگ
نویسد و بر چهار طرف کهنه بدست خود دفن کند تا فرزند بماند

صفحه ۱۵۵ | صفحه داد اصلا | لساع الموا

الواح ۳ نهم باب دعای تب لرزه هر روز یکی در
زیر دامن او دود کند بر چوب بنویسد شفا یابد انشاء
الله مجربست او ن دود بر
هیطش فرعوف هیططش نمرود
هیطلش مسعود اگر زنی را بیم در شکم مرده شود بیرون
نیاید بنویسد این اشکال را در بینت زن بندد شفا یابد

اعواسع ۱۰۰ انه دعای شیخ نوشته نوشته

ق ۳۱۳ الواحوا به بر میان زنان یاد پیرزن
در وقت زائیدن بگوید

ان ... ای ... بسم شیخ باغ یاد سلمان
فارسی یاد زراعت هر زنی فلان این فلان

بحق بسم الله الرحمن الرحيم وسيلوت الجبال أفاء
صفصفا لا ترى فيها عوجا ولا أمتا الا ايتها
السلول يا ذات الله الله الله يا هو يا من هو
يا هو يا من يا هو يا هو يا من هو يا عزيز
يا عزيز وحنانا يا ارحم الراحمين دعای ابله کوسفندان
بنویسند بر اب بشوید و بر گردن کوسفندان ببندند بسم الله الرحمن الرحيم
انك انت ارحم يا رحيم يا قديم يا مئوس يا منعم
يا عزيز يا حنان يا سبوح يا بارئ يا مصور
يا حليم يا قديم يا رحمن يا ارحم الراحمين
دعای دزد کلو بسم الله الرحمن الرحيم فلما لا
اذا بلغت الحلقوم وانتم حينئذ تنظرون
ونحن اقرب اليه منكم ولكن لا تبصرون
بر گردن بندد دختر که نمکش نشسته باشد خواهر خود

نشوهر

نشوهر رود یا خود نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحيم
وأذن في الناس بالحج يأتوك رجالا
وعلى كل ضامر يأتين من كل فج عميق
ليشهدوا منافع لهم ويذكروا اسم الله الرحمن
دعای لرزه دل بسم الله الرحمن الرحيم لنعم الله وما ألم
ومن يتوكل على الله فهو حسبه ولا حول ولا قوة إلا
بالله العلي العظيم
سرع سه هو هو
دعای طپیدن دل بر دل کوسفند بنویسد بخورد
بسم الله الرحمن الرحيم عنهم لا والله خير فالله
الأعظم الهنا الهكم لا إله إلا أنت محمد رسول الله
علما ولي الله استجب يا رحيم بسم الله الرحمن خلقت

باب آوردن آنچیزی نشود از کلمات در سر یا رحم
شکم نشود و هر روز یکی را زن کمتر دهد تا مرد جمع
شود و محرمیت رفع شود ام ان اوکاه ک باب
اگر زنی که دیر زاید این دعا نوشته بر ران
راست بندد زود فارق شود بسم الله الرحمن الرحیم
یا خالق النفس من النفس و مخرج النفس من النفس
خلصها باب سهولت حمل که از شیر نوشته
باشد بنویسد که در گردن حیوان بندد بسم الله الرحمن الرحیم
حق ح ح ح ح ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲ ۲۲
۹۹۹ یا دائم یا صمد یا فرد لم یلد و لم یولد
و لم یکن له کفوا احدا صل علی محمد و آل احمد
که حامل بداند که چه خواهد زایید این نقش را کف دست
بنویسد بر شنبه بار نهد اگر نماز نخواند بهتر شود اگر کرم کند
بمیرد هلاک شود لا هطوز مهون لهم مطهمن یف ته
قل ربه

پاک زردی آدم نوشته در گردن بندد لا اله
الا هو الحی القیوم وعنت الوجوه للحی القیوم
بسم زردی فلان زردی و زردی و رستم الا
بسم زردی فلان بن فلان بحق محمد و اگر پاک خواهد
محافظت فرزند در بطن زن سقط نشود این
دعا را بنویسد در گردن زن حامله بندد تا سقط
نشود و تجربه رست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احفظ
بحفظک عظمتک احفظها و لا ترد قال الله
کما حفظ عمران بن کل شیء اهوا هو ایسا
سمان السماء الغطاء رب اجعل جبرائیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و عن الیمین و عن الشمال
منال فلان بن فلان و خلق الانسان من سلالة
من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین
ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة
عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا

(فرقتهای ملک الموت الی آخر الفصل باب جهت جن و پری
نام عفت بر اطفال میرساند ملک الموت ارواح از دیدهٔ مردم پنهان
و بنی آدم آن را نبینند و جنس آدمی از یاد حق غافل
نباشد و پس آخر دم جواب کنند و بایند از دو با نام خدای
التفات نکنند و یا قوم الملک الموت ارواح مجروح کنند و جنس
پیر و اولاد آدم زاد مضرت رسانند و الا حال حق
سبحانه و تعالی این خلق را مخلوق کرد و در بنیت مرد
نطفه خزن ساخت و چون یکدیگر جمع شوند به امتزاج
شهوت کنند نطفه حاصل شود و در وجود آید و هیچ مخلوق را
خدای تعالی به بهره نیافریده و بعضی از امتزاج شهوت میکند
نطفه میشود و بعد از مدتی قبل از موعد نزول طفل
ضایع و ناجز گردد و بعضی دیگر از یکماه یا دو ماه یا سه ماه
و ناحق یک روز از سال شش نقصی بوجه شد ناجز
و نابود گردد به نوع که اکثر بنی انسان بتزاد مبتلا
شده و باریک تر از مو و ضعیفی مضایعت شکم

و یاد

و یاد رحمه اگر این علتها آفت ملک الموت ارواح است و تحقق باید
دانست اگر کسی را بدو واقع پیش آید اسم صاحب واقع اسم هوشی
بحساب ابجد صحیح بردارد و هفت هفت طرح کند اگر
یک بماند در یک شنبه یا شب شنبه موقف آب کرم ریسمی نام
خدای التفات نکرده یکبار از دختران پیر بانو نوانیده باشد و آب آن
بنزدیک آفت بران ان رواداشته اول انکه جمع امتزاج شهوت
کنند نطفه میرسد شود دوم انکه چون امتزاج شهوت کنند از موعد
یک هفته بگذرد او را فاسخ ناجز گرداند سیم انکه چون قرار گیرد
متولد نزد ناضی نامی کبود تو دسته روز بیشتر نماند اگر چهار بماند
در چهارشنبه یا شب جمعه آتش ریخته بر سر آب ناو یکبار از آن ناو خته
اقربای او بدین واقع دشمن کنند بنوعی که نکند راند که اطفال
بهره یابد ناجز و نابود گرداند و اگر شش بماند روز شش شنبه بموکل
یک بشنبه نگذرد آن از جماعت جنیان نباشد ان جماعت نیز خصم باد
باد کنند و اگر چهار بماند روز چهارشنبه یا شب پنج شنبه بر میان را
زیر باکره آن جماعت نیز خصم باد کنند بنوعی که تمشه (؟)
حمل ضعیف نکند و اگر پنج بماند روز پنجشنبه یا شب جمعه بر سنگ بر آب

گرده پسر بریان سقط کرده چند انگشت ان پسری زنده نشد نگذارد
که بهره یابد و اگر شنبی نماند روز آدینه وقت نیم چاشت
باشد چون شنبه در گذارد تنور پسر قیصر پسری را در تنور اندازد
قیصر نیز در شب یا روز از اولاد او مغفرت پسر نداد اگر هفت
بماند روز شنبه باشد چون شنبه زن از پریان مضرت برساند
صاحب علت بیم او را مروح ساخته و پریان نیز خصم
بدو کرده اند اولاد او را خصم زدارند که سوزنی ان از نار دوخ
پیش آید یک چاک کرباسی تمام هفت باره موی ان زن را
هفت سوزن فولاد کار ناکرده چون خیمه نا بافته باید ان موها را
یک یک از سوزن نا بکند زاندایی دعا را بر آن کرباسی بنویسند
و سوزن ها را در کرباسی بند کرده در وقت کردن هفت
بار آیة الکرسی و آمن الرسول و فاتحة الکتاب و سوره
اخلاص بخواند بر آن کرباس و مرده را از ان کرباسی را در
قبرستان کهنه دفن کند آزموده است این دعا را کرباسی
بنویسد هو الله الذی لا اله الا هو علم الغیب

والشهادة

برباره اسفال بنویسند آب بدیده بیابد دعای اندازه در میان

ان فاصله واقع شود

ا ب ج د ه و ا ا ا

ا ب ج د ه و ز ح ط ی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ک ل م ن س ع ف
۸ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰

ص ق ر ش ت ث خ
۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰

گ ذ ض ظ غ لا
۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

حمل جانوس جاماس

حکم گفته اند که هر آن که بطالع حمل باشد خوش رفتار و نیکو منظر و خوش خلق و خوش زبان و عاقل و بزرگ و دانا و شیرین زبان باشد یا پسر یا برادر بهلوان و دلیر و دانشمند باشد و آن وقت تاریک بخشان باشد و پاکیزه و پارسا باشد و خیانت و بدی را نگاه ندارد و اقلیم مزاج او گرم و تر و غریب گاه باشد و زود خشم گیرد و زود فرو نشیند و چرب زبان باشد و یک شغلی در اصل کار باشد

باو عداوت نماید و در اوائل عمر رنج و محنت بسیار کشیده باشد و خانه پدر مادر وی عقربت دلالت کند که از این نیز راحت کمتر بیند و خانه خواهر او سنبله باشد شعری و شفق و مهربان باشد و خانه فرزندان وی میزان چهارده فرزند در طالع او دانشمند باشد کمتر بمانند و علت وی از هوا باشد یا بدوهای حصبه سال مار زهر دارد و این طالع را بنوسه در قبرستان کهنه دفن کنند تا فرزندش بشود و بماند و خانه زیخوری وی قوس باشد دلالت کند بیماری خشکی و دردی و درد کردن با قولنج باشد و قراشوف بدو سالگی و نزدیک سه سالگی چون از او بگذرد عمرش دراز باشد و صاحب این طالع بسیار روزهای گرانی و بخیزد و از ماه های جمادی الاول و از رضتهای سبز و سرخ و از نیکو فرونه و چون ماه نه بیند بروی نظره نگاه کند و صاحب این طالع بسیار دعای زیان بندد را خود دارد ما از بالا ما ایمن باشد و عاقبت سر انجام خیر گردد

طالع نشوه جانوس جاماس حکم گفته اند

که هر آن زنی بطالع ثور باشد از ماه رهبوله شود و ستاره عطارد مریخ علیه السلام است زنی باشد خوش خلق و نیکو

خلقت و شیرین زبان و بلند همت و مبارک قدم و محبوب
رفتار و نیکو قامت قدم بروی شوهر مبارک باشد و عاقل
و بزرگ و کاردان و پارسا باشد و پهلو با پسر بزرگ و اعضای خوب
قوی باشد و ان جفت نیک بخت باشد و صاحب
این طالع اگر زنی خود را فدای کسی کند قدر و پرا بداند و
دست وی به نمک باشد و با او نیکی کند مکافات بدی نبیند
و راستگو باشد صادق القول روایت کند و او هم چنین باشد
و راز دل خود با کسی نگوید و از شخص کبود چشم و
قرمه اندام با وی در مقام عداوت باشد و اگر چیزی بدهد
در دولت خندان و گرفتن گریان باشد و خانه پدر و مادر برج اسد است
و از پدر و مادر روزی مند باشد و خانه برادران وی خواهران برج
عقرب است و پیش از وی نزنند و خانه شوهر وی جوزا
باشد شوهر وی مشفق و مهربان باشد کاه کاه و پرا آزرده
کند اما زنده فانشود و پشیمان شود و خانه زندگانی حمل
باشد شاد کامی کند زاید و در میان عمر سر شوهر و سرانجام جفت
گم کند عاقبت نیکو باشد و خانه فرزندان وی برج عقرب است
دلیل کند و پرا زده فرزند یا چهار زده فرزند بیشتر بر طرف

شود دلیل کند کاه و بره کرد و فراوانی و در رشتهای سر به جراف
کرم بخورد و پرا نافع باشد و دعای بازوبند را نوشته تا خلل دارد
تا از این بلاها ایمن باشد و شانه سر خود را با کسی ندهد و از موی شانه
در آتش نیفکند و ان دشمن نیک بختان گردد و صاحب
این طالع اگر زنی خود را فدای کسی کند قدر و پرا بداند و
دست وی به نمک باشد و با او نیکی کند مکافات بدی نبیند
و راستگو باشد صادق القول روایت کند و او هم چنین باشد
و راز دل خود با کسی نگوید و از شخص کبود چشم و
قرمه اندام با وی در مقام عداوت باشد و اگر چیزی بدهد
در دولت خندان و گرفتن گریان باشد و خانه پدر و مادر برج اسد است
و از پدر و مادر روزی مند باشد و خانه برادران وی خواهران برج
عقرب است و پیش از وی نزنند و خانه شوهر وی جوزا
باشد شوهر وی مشفق و مهربان باشد کاه کاه و پرا آزرده
کند اما زنده فانشود و پشیمان شود و خانه زندگانی حمل
باشد شاد کامی کند زاید و در میان عمر سر شوهر و سرانجام جفت
گم کند عاقبت نیکو باشد و خانه فرزندان وی برج عقرب است
دلیل کند و پرا زده فرزند یا چهار زده فرزند بیشتر بر طرف

از بلا و آسیب باشد اگر طالع اسد حکما گفته اند که
رنگ و بوی طالع اسد از ماه بوجود آید رنگ بعضو نیکو رود و بلند بالا و بارک
اندام و زیرک و غریب گوشت و پاکیزه اندام و خوش خلق و
وفراخ روزی و میان بالا و عاقل باشد و در اعضای خود
فتق دارد و آن فتق بجهتان باشد و هر چند بزرگ تر گردد
و کارش بنکوتر گردد و خانه اندکاذلی حمل بود در میان عمرش
بشادی بگذراند و خانه دوم اندکات از شومی که روزی بعضو رنج
و محنت بسیار کشیده باشد که قدر و پیرا نداند و گاشنی و بدگو بسیار
باشد و در پیش گوشتی کنند و پشت سر گوشتی کنند و پشت بنگ آشنا
باشد و باهر که گاشتی کند مکافات بدی بیند و پیش از آنی یک ستاره
نحس در طالع وی در آمده بود در این چند روز گذشته و زیان وی
خواهی کرده خداوند این طالع را بگاه آنش مزاج بود در نماز
کاهل نکند تا مراد وی برآید و خانه پدر و مادر را نشود باشد دلیل کند
که از مادر پدر رنجی بود و بنکو بیند و خانه برادران وی برج جدی


از ایشان نفع یابد و رنج و محنت بسیار کشیده باشد قدر و پیرا
نداند و خانه دوم میزان است گاه گاهی با سازگاری بجهان آید
و خانه فرزندان وی برج اسد است دلیل کند که نه یا چهارده
فرزند در طالع داشته باشد و خانه رنجوری وی برج عقرب است
دلیل کند رنجوری و سبب فرزندان وی از مزاج باشد و از
سودی و خشک و درد کمر و درد شکم و درد ساقها و سینه باشد
و عیشه دل پیدا کند و بسیار نسائی باشد و زنجور بلکه مانند که فرقه باشد
بخرابه و دوسرای و اندیشه خیالی و اندوه بسیار بعضو
و خانه مادر وی برج جوزا است و یک نظر در کردن و خانه
باشد ان نظر اذا خاید تا در بلا نیفتد و قران طالع
وی بهتر ساله و چهارده ساله و بیست ساله چون
از این بگذرد عمرش نود ساله برسد و یک قران بشصت
برسر وی گذشته باشد و خداوند این طالع بسازده ماه های
مهرم الحرام و از روزهای یکشنبه و پنج شنبه و از رختهای سبز و لعل

مثل کوه سنگی بر سر خود بیند و حوایجهای خود را بسیار بیند
و در آن وقت نه بیماری باشد و نه خوشی در جیف وقت حیا
لهای باشد بخاطر گذراند و قران طالع وی یک سالگی و پنج
سالگی و هجده سالگی چون از این بگذرد به هشتاد پنج سالگی
برسد و خداوند این طالع را بسازد از ماههای ربیع الاول
دار روزهای پنج شنبه و یک شنبه و چهارشنبه و از چهار بایان
سم شکافته و چون ماه نو بیند بر روی بگرده نگاه کند تا بروی
مبارک بتابد و خداوند این طالع را باید دعای زبان بندرا
و حرز و بیم نابینا نگاه دارد تا از بلاها ایمنی باشد انشاء الله تعالی
میزان چنانکه گفته اند کسی آن زنی که بطالع میزان باشد راست گوی
و خوشی گفتار و دروغ گوی گاهی دارد چرا که میزان راست
گفتار است و در نماز کاهل نکند و صاحب این طالع راستی دوم
دارد اگر بوجه اول امده باشد میان بالا و سرخ سفید و اگر
بوجه دوم امده باشد سیاه چهره و قدی اندام و فربه و صاحب
این طالع در شجعی باشد و خوشی زبان و نیکو اندام و فراغ

اوزی

روزی و عاقل و زیرک و دانا باشد هر چند بزرگتر گردد و کاری
بنیکو کردد و حیاتی زیاده شود و خانه زندگانی و سنبله
باشد دلیل کند که عشرت گذراند و قران شخصی بر روی
گذشته باشد و رنج و محنت بسیار کشیده باشد و با خواجه
همدست شده و بر اندازند کسی و دشمنی و بدگو بسیار و بدخواه
از خویشان وی باشد و مدت است که دل در مراد وی
بسته باشد و دست نه ترک از جفا گذارد و نه مراد بدست وی برآید
میگوید بارب کار من چه خواهد کرد و یکبار سر شکم خود را گرد
باشد و در آخر عمرش حالت بیمار باید و حرام و دروغ بیکبار
و برانسازد هرگاه یکدینار حرام بدست آرد صد دینار حلال
از دست وی برود و یک ستاره نحسی در طالع وی در آمده باشد
اکنون در این چند روز از طالع وی بیرون خواهد رفت
ایزد تعالی بخود راه ندهد و کارهای بستر گشاده گردد و خداوند
این طالع را از شخص میان بالا حذر باید کرد از خویشان نادان باشد
و خطر وی از آب و آتش و از بلندی حذر کند که وی را بیم بود
و جنبد بهتان وی را گفتاند و در نماز خود کاهل آید تا بمراد

خود را برساند و شخصی بلند بالا و سفید گونه باوی در مقام
عداوت باشد و فاتحه شوهرش بروی مهربان بود و خوانه
رنجوری وی از خشک و صفرا بود و مشیمه است و سنگی بود
و دل وی سیاه شود و بقول اروپی ارام باشد و در سبز نبیند
کند انها هم از غلبت صفرا باشد و خوانه فرزندان بر مرض حصبات
و برانه یا جهاده فرزند و طابع وی داشته باشد فرزندان
وی چشم زخم از خرزاد و افت برسد دعای حرز باید
داشته باشد تا از بلاها ایمن باشد و قران وی با بد بسالگی
و پنج سالگی و شانزده سالگی چون از این یکدرزه
و عمرش نود سالگی برسد و خداوند این طالع را
بسازد و از ماههای رمضان المبارک باشد و از روزهای
شنبه و یکشنبه و از رنگهای سبز و سرخ و از سنگهای یاقوت
لعل و فیروزه و چون ماه نو بیند بر روی آب دریا یا روان
نظر کند تا بروی مبارک باشد و اگر خواهد از بلاها
ایمن باشد



ایمن باشد بنویسد چشم زخم و باز بندد حضرت امیر المومنین
یا خود دارد از جمله بلاها ایمن باشد اقران و امیر المومنین عفر
زند که طالع عقرب بود باشد میان بالا و نیک بود و طریف طبع
و خوش زبان و امرد و کشیده و بلند بالا و بر حرکت و دانا باشد اگر در وجه
دیم امده باشد کوتاه و کند کوند و بد گوشه ابرو و در چشم مل و با صلاح
اگر در جبهه امده باشد نیکو خو و شتاب کننده باشد و در کارهای خود عجله
بسیار خشم خود و در نخ بسیار کشد قدر و بر اندازه نکرده اندر بدن
زن زخم اشته باشد و ان زن نیک بخت باشد و عاقبت مندان باشد
و صاحب این طالع را از آهن جراحتی رسیده باشد و یا خواهد رسید و از
گوش کر باشد و بهتان و غیبت بسیار گویند چرا که گوش وی
بسیار است و دست وی بر تنگ باشد صحاذف القول باشد و کارا نه
دل خود را با کس نگوید چرا که بد کو و بد خواه وی بسیار باشد و صاحب
این طالع با پریشان احوال باشد و بد باب احسان مرجع شده
اما دل حق اقا احسان کند که بیگانه بخی در طالع وی افتاده است

اکنون در کنند خشت من بعد و شش در آنجا روی سنگ خرید شده
دار طرف جنوب و شمال جزا خود رسید دار جز دل برادر برسد و با
اب طالع آتش مزاج باشد گاهگاه آتشی کند فرو نشیند و خواز بیماری
قی سبلغ است دلیل کند که بیشتر بیماری وی از درد شکم دارد و
گریه کند و در دست و پا قولنج باشد و باز و بند و جزو با خود دارد
تا شفا یابد و خانه پدر مادر وی میزان بود از آن زن نفع نیابد
و خانه فرزند کانی وی سد است دلیل کند بعشرت و شادمانی گذراند
و خانه برادران و خواهران برج اعقرب است دلیل کند بمکابانی
شوهرش مشفق و مهربان باشد و خانه شوهری برج سنبله باشد
و میزادی نیک باشد و خانه فرزندان قوس باشد و اگر فرزند یا
حمل دارد فرزند در طالع باشد اما کمتر بماند و از یکی فرزندش وفا
بیند و در وقت شدن فرزندان بسیار بیمار باشد بعد از چند
مدت ضعیف و بارک و بی حرکت و بی قرار شود آن گاه بر طرف
شوند و علت از سر او و با از پریشان باشد دعای بود با جمله



دیر او رکار باشد و صاحب این طالع بد کوشیار باشد و در پیش
کار سستی و در عقب کار شتاب کند و اندیش باشد صادق القول بود کس
سخن گوید و بر او قبول کند و دعای مردمان خواهد تا از
بد کاران و بد خواهان ایمن باشد و قرآن حافظ وی بود و سال
و پنجسال کودکی بر وی سخت بود چون از آن بگذرد تا نود و سال برسد
و صاحب این طالع را دوستان بسیار باشند و از جهان
زنگی و از زرد روی باشد و گاهگاه در چهار پایان سستی کند
و از گرم و سرد زمستان و تابستان بیمار شود و از تنگی های عصبی و از
خشمهای سبز و سرخ چون ماه نو شود بر روی طاعون
نابروی مبارک شود اثر داد و ستد
اند هر آن زن که طالع قوس از مادر متولد شود
مقدم بلاد باشد و ستاره خدمتگر او مشتری و صاحب این
طالع را نیروی باشد اگر قوی باشد از قوی آمده باشد سفید اندام
و خوب و فراخ روی و دانا و نیرو و خوش

طالع وی بود و سالگی و مفت سالگی و با نزده سالگی چون

بمشند و اگر بوجه محوی آمده باشد قریب راست از بهلوی یا بر
بسوزن نان داشته باشد اگر بوجه سیم آمده باشد خوش خلق
و طرب دوست باشد و خداوند این طالع راز باشد
صادق القول راست گفتار و دروغ گو را دشمن دارد
یکنفس شخص کشنده باشد اما خلاف او یکی را زده خون
خواهد داد از جای که گمان نبرده باشد خوش حال بسیار
باید و یک شخص دین نصیحت کند سخن او قبول نکند
و راز دل خود را با کسی نگوید و شوهر دوست و خوش خلق
و خیرات کننده باشد و از مردم قریب دوست بیند و عیدت
سر داشته خود را گم کرده باشد و تابع دین دست و نیکو باشد
و هوا از کفت کنی مرد باشد و دشمن و بد کو بسیار
باشد و یک راز در دل داشته باشد و بر سر راه فرو مانده
گوید یارب احوال من چه خواهد شد و مدت چند روز باید
بر انتظار



بر کنند تا زر حاصل شود و خانه باکس مبرج نوزده باشد و ایل
کنند قال شود یا کنند و نبود بر طرف کنند و خانه بدو برج بر
بیرون شد یک بیابد تا خوش حال از غربت یا کنند و هر
و خوش کنند کذا و خانه خود برج سرطان از
و مهربان باشد و خانه خود برج عقرب از
و خلعت یابد این طالع دارند و تابع
و بخورند و بیشتر از آن روی کرمی باشد و فکر
و فرمان تابع دین بدو سفت سالگی نوبت
چون این طالع دارند عمرشان نود سالگی برسد و خداوند این طالع
سالها زنده دارد ایشان را مقرب و از دوستان بهادر باشد
یکنفر دارد
و عقیق و چون
تا بود دین بجا رکب باشد و چون
از بلا این
دعای دین او ضیاء

از جمع بلاها باشد و در اقتران حکما گفته‌اند هرگاه زحل
کوکب طالع بود از مادر متولد شود غریب گردد باشد و نیکو رود
و نیکو خوی و بزرگ بالا و با حیا و کاربین و فراخ روزی و صاحب وفا
و دانا باشد و صاحب این طالع شخص باشد عاقل و با حیا
و بزرگوار و صاحب فن داکه باشد دان فرزانه که بجهان باشد و یک
زنی شخص گشیده باشد و فرزند چند بر سروی لذشته باشد و دگر
شش و بد کو بسیار داکتر باشد و شخص کند م کوش در میان
بالاد کرین باشد محاشمن باشد و مردم با وی عداوت کنند
کسی قدر و نداند مذمت کردن بهر او بستم باشد نه مراد حاصل
میکرود و نه ترک آن میتواند کرد و عمر او در غم و اندوه خواهد
بود باشد و با خود میکوید یا رب کار من چه خواهد شد و یکساره
غمی بجان طالع وی در آید بهم بر زند چند بار وی بمراد
خواهد رسید و صاحب این طالع از خواهر او در رنج خواهد کرد
کند

احتراز کند و اگر یکدینار حرام بدست آرد صد دینار حلال از دست
برود و خانه پدر و مادر وی برج نور باشد دلیل کند از آن ایشان
نفع نیابد و خانه شوهر کان کاه کاهر ملامت بدیشان آید
و خانه برادران و خواهران وی برج حوت باشد از این نفع نیابد
و خانه فرزندان وی برج اسد است دلیل کند هشت یا نه فرزند
فرزند در طالع داکتر باشد و بسیار شود کم بماند و علت از خرد
باشد و بر این شاذ زرس بنده باشد و عای هیکل شوشه با خود
دارد تا فرزندش بماند و خواهد زیستن و دی قوی باشد بیشتر و کم
و درد زاد معده و باد قولنج در عشره دوم داشته باشد در این وقت
دختهای تاریک شود و معده وی بی قوت و دست و پا سست
شود و بهره یابد کرده و داروی کرم بخورد و این دعای عوذ را
اپی دجانه شوشه با خود دارد تا شفا یابد و صاحب این
طالع با ارک نیز جاهل و غریب کردن کند تا در بلا
نیفتد و خواهای اشغله بسیار بیند اما نخواهد در قران
طالع وی بد و سالک و مفت سالک و با نزده سالک چون

از این بگذرد بنود ساله برسد و خداوند این طالع را باید
از ماههای رمضان المبارک و از روزهای روز بشنبه و پنج شنبه
دارنگهای رنگین بپوشد و انگشتری عقیق چون
ماه نو بیند بر روی آب و بسوی قبله کند تا بروی مبارک
باشد و صاحب این طالع باید بنویسد دعای صرز داعدان
چهار رکانه را با خود دارد تا از بلاها ایمن باشد این است
حکما گفته اند هر آن زنی که بطالع دلو از ماه مستولد شود که خانه او
دلیل کند و ایه و حاکمش زحل و ستاره اش تیر بوده و هم دارد
بوجه اقل آمده باشد نیکو صورت و میان بالا خوش خلق
و باریک اندام بوجه جوزا آمده باشد کند کوته و نیکو صورت اگر
بوجه میزان آمده باشد خوش خلق و نیکو منظر و ظریف طبع
با مروت و صاحب کرم و غریب دوست باشد و رنج عظیم
بر پای وی یا بر اعضای وی رسیده باشد و در بدن وی
نشانی باشد و آن نشان نیکو نباشد و شخصی دیر نصیحت
کرد نصیحت قبول کند تا در بلا نیفتد و شمنی وی بسیار

دانشمند باشد سخنی کسی را قبول نکند اما گر رشته اقل نیکو بود
و حال چنین وقت است گر رشته خود را کرده و قدرت
کشیده است بعد از این گر رشته نیکو خواهد شد و خانه نهم
وی برج عقرب است نهم بروی مشفق و مهربان
باشد و گاه گاهی گدورت میان آید آن گفت گدر مردمان
باشد و خانه فرزندان وی برج اسد است دلیل کند که وی را
یا نه فرزند در طالع دانشمند باشد اکثر اینها مرتبه باشد و خانه زنجیری وی
جوزا بود از خاک و صفر و باد مزاج بود گاه درد سر و گاه درد شکم
پیدا کند و علت از هر اندامی که طالع بر رنگ جامهای رنگین
سبز و سرخ و آبی و نیلی و عقیق و در سفید و از روزها روز پنج شنبه
و چهار رشته چون ماه نو بیند بر روی طفلان نظر کند تا بروی
مبارک باشد و آن طالع بدوست نیکو و نه دوست نیکو و بهره سه سیر
چون از این بگذرد و عمرش بنود ساله برسد و اگر خواهد از بلاها
ایمن باشد دعای ام الصبیان را بنویسد با خود نگاه دارد تا از بلاها
ایمن باشد انشاء الله تعالی

حکما گفته اند که هر که بطالع جوزا

از مادر معصوم شوهر او وجاوری و ستاره حضرت فاطمه علیها السلام است
زنش باشد خوش سخن و شکوه منظر و بزرگ اندام و راست گفتار و میان قد
بسیار ابرو و خوش زبان و در نظر خلق عزیز و مکرم باشند و صاحب
این طالع آتش مزاج گاه گاهی آتش افروخته میشوند اما زود
بنشانند شود و رنج و محنت بسیار کشیده باشد اما کسی قدر
او را ندانند و بیست بمک داشته باشد باهر کسی نیکی کند مکافات بدی
بدی بیند و از دوای اخر را با کسی نگوید چرا که دشمن بسیار باشند و یک
در کردن داشته باشد او را دانا باید تا مراد وی برآید و از خاک مذلت
نصیب داشته باشد و خانه برادران و خواهران وی برج جوزا باشد
از این خانه خانه نشوئی برج سنبله است دلیل کند که شوهر بروی
مشفق و مهربان باشد و خانه فرزندان وی برج عقرب است بیشتر
بروی زنند و یا مرده فرزند در طالع داشته باشد اما از یک
فرزند و نایابند و خانه زنجری وی سنبله باشد دلیل کند بیشتر
فرزندان از فروغی معده و باد مزاج و صفرا باشد و از شخص سیاه فاده
کشیده و بد خلق کننده و از کفت و از کفت کوی مردم معیوب
باشد

اما کسی که بادی گرشمی داشته باشد و از قران کدخدا بکند و از بلندی
حذر کند که بهم برسد باشد و قران طالع وی به سالگی و شش سالگی
و سیزده سالگی چون از این بگذرد و عمری نیکو و سالم برسد و خداوند
این طالع را به ده از ماههای ربیع الثانی و از روزهای ته شنبه
و پنج شنبه و از کفن عقیق و از رختهای سبزه و برج چون ماه و نیلی
بروی قران نظر کنند یا بروی مبارک بکند و چون خواهد
از بلاها ایمن باشد و دعای حرز این خانه را بنویسد یا با خود دارد
از بلاها ایمن باشند این و الله التوفیق و الله اعلم بالصواب

و اگر کسی حرز کسی را خواهد یاد دهند این دعا را
نویسنده بدرخت کل بنهند یا خنان یا منادی ۱۱۹۱۲۹۱۱

۲ ۱۱ ط ۱۱ اصلح بفضلک بقدرتک الا صالح مزاجا لا
الا سرائها ای ۲ ۲۲ ۱ ۲ علی حب بلا ۳

بسم الله الرحمن الرحیم

از برای دفع تب لرزه و تخم مرغ بنویسند بسم تب لرز فلان
ابن فلان بحکم سلیمان ابی داود علیه السلام قی طری
یا اطری طعامی یا حکم نوشته و بر سیمای کبود بکنر تخم مرغ بمجید
و زیر آتش کنند به پزند و زده را بصاحب تب دهند و سجده
بآب روان اندازند باب دفع قولنج بحرمت سلیمان ابی داود
علیه السلام یا جبار بحرمت یمیا یا علی بحرمت ابی راهم
یا کی یم بحرمت اسمائیل یا مستعال بحرمت هارون
یا بوهان بحرمت موسی یا فتاح بحرمت شعیب یا کبیر
بحرمت عیسی یا متعال بحرمت محمد صلی الله علیه
وآله یا احد یا صمد یا لم یلد ولم یولد ولم یکن
له کفوا احد یا علیم یا حلیم بحرمت اسد الله
الغالب علی ابن ابو طالب ای سرخ باک ای کبود باک
ای سفید باک هر باک که اعضای سر و جسم و بدن روی
و بیرون رو بحرمت یا ارحم الراحمین

باب زنده گیرش کم باشد این طلسم را بنویسند بر ساعت نیک
بنویسید بخوم کرد این را قدر بخورد و قدری به بستان مار بزند و
عار او رکردن بندد که بفرمان حق تعالی شیر بستان آورد و زیاده
شوم انیت
از و سه هفته
ع نوبت وصل از عزیزان
اجمعین مالک یوم
الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین باسم الله
شدن از بستان فلان ابن فلان باب دعای بخت بیمار این
جهار تعویذ را هر روز بشویند بخورد عاینت
باب دعوی
بسیران بنویسند و رکردن ایشان بندد و اینست بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله آه و ربك اعلی اخلق عظیم فسیرون و یبصرون
و ابکم لمفتون الله حسبی وجوه
فسر دعای فارق و رکلوی طفل
بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسك السموات
والارض ان تزولا ولیبطن ذالك ان امسکها
من بعید والله من احد من بعده انه کان
حلیما غفورا اللهم احفظ فارق فلان ابن
فلان بحکم سلیمان و اگر مار کسی را گزیده باشد نداند
که گزیده اگر

که نداند گزیده او کیست آن دعا را بنویسند زیر سر صاحب مار
نهند در خواب بیند که گزیده کیست
له له له له له له له له له له له له له له قدوس قدوس قدوس
قدوس قدوس قدوس

باب اگر زنه را فرزند نباشد و اگر باشد نماند باید این آیه کریمه را
بنویسد با خود نگاه دارد تا فرزند بماند آیه فلما تغشاها حملت
حملا خفیفا فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما
لئن آتیتنا صالحا لنکونن من الشاکرین
باب هر طفلی دیر زبان آید دعا را بنویسد در آب انداز تا دهد
بخورد کوثم مسطحما یاسفیفا هیا ساطا
کلا کولو یغیدی برحمتک یا ارحم الراحمین
باب هفت عدد نان کندم عصفر نخود ۱۱
بنویسد اگر زن مرد را نخواهد یا حرع ۲
بنگ ماده دهد اگر مرد زن را ۲ الوا بعد ۱۱ عمی ۲۲
نخواهد بنگ نر دهد ۲۲ ۱۹ ۲۳ ۲۲ ۲ ۲ 

باب دعای غریب کہ وہ کان کہوا و بندا وَكَسَوْنَاهُنَّ لِحَفِيضِهِمْ ثَلَاثَمِائَةٍ عَدَدًا وَأَوْدَادُهُ لِنَسْأَحَطْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا وَتِهَادًا وَمَعَاشًا وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا

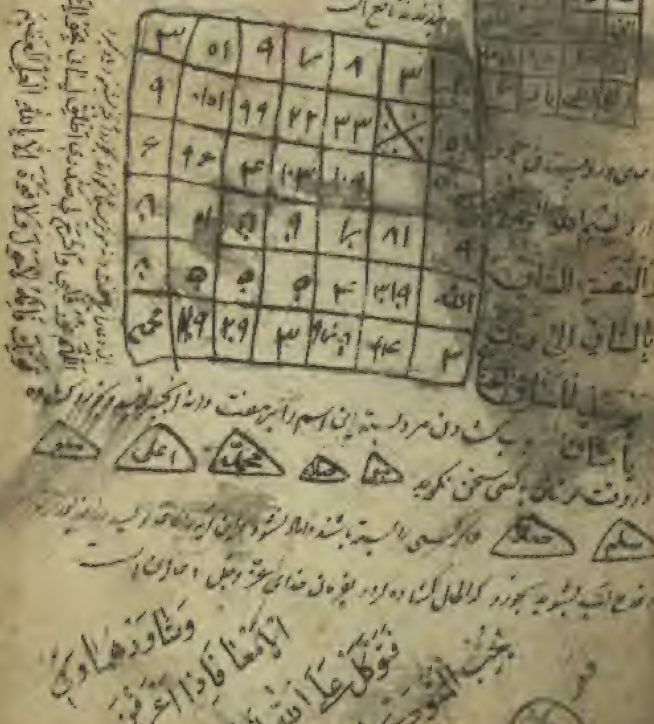

## باب طالع نام پسر خواهد بود

طالع حمل هر فرزند که بطالع حمل باشد طفل شریف زبان باشد و چشم خلایق بنگرند و اگر در نظر مختلف باشد علامتش آن باشد که از خواب به اختیار بیدار شود و طعام کم خورد و نظر همزاد بر او زیاده غالب شود و گوش خرد چنان ضد او باشند و علامتش آن باشد که در روز جمعه بعد از نماز گوسفند قربان کند و از خون مل[ی] نویسد

[illegible]

طالع ثور هر فرزند که بطالع ثور باشد اگر پسر خواهد شد علامت چنین ظاهر شود جهت آن باشد که در جایگاه ثقیل خفته باشد و پری همزاد بروی نگه کرده بسیار گریند و نخواهند که زبان دراز شود و بر خود و بی اگر خواب باشد علامتش آن است که چهار پای پسر خواهد قربانی کند و بدان چگونه نویسند

تا صحت یابد و اگر شتر خواره باشد علامات آن است بر سر او که گذر کرده
باشد بنام خدای القطا و سنگ در آب انداخته باشد بخون کوسفند
یکرنگ یک ماده بکه که تقویه یابد توشت طلسم اینست
[illegible]

[illegible]

[illegible]

و فرزند که بطالع جوزا بوده باشد اگر شتر خواره باشد جهت آن باشد
که آب و پرایش جانگاه شتران ریخته باشند و بر انجام خدای
القطا نکرده باشند که از فرزند وی رسیده باشد علاجشی آن باشد
که خون جانوری هر رنگ که باشد بپوشند بر بازوی راست بندند
تا صحت یابند و اگر شتر خواره نباشد علامات چنین ظاهر شود
که سنگ یا چوب پرتاب کرده باشد در شب بطرف چهارپایان
و آن سنگ بر آن طایفه افتاده باشد دانش تلخ گردد و طعام
کم خورد و گاه خوشی و گاه ناخوشی بخون جانور یکرنگ بنویسد

و فرزند تا صحت یابد طلسم اینست
[illegible]

[illegible]

هر فرزند که بطالع رطبان باشد اگر شتر خواره باشد جهت
آن باشد که او را بر جمز برده باشند و رو لقبدنت نهاده باشند
و بلا مراد بر او افتاده باشد و غایب شده باشد و رحمت پیدا کرده باشد
از پشت و شکم می ماند علاجشی آن باشد که بمشک و زعفران یا بخون
جانور سیاه تقویه بنویسند تا صحت یابد و اگر شتر خواره نباشد جهت آن باشد
که دویدن پای بر سر آب نهاده باشد و شب بی خود باشد و دانش
تلخ گردد و خواب کمتر کند روز خوشی و روز ناخوشی علاجشی
آن باشد که صدقه دهد و تقویه با خود دارد طلسم اینست
[illegible]

[illegible]

هر فرزند که بطالع اسد باشد اگر شتر خواره باشد علامت آنست
که مادر وی آتش براه گذر همراه ریخته باشد و آن آتش طبایع بر روی

بر روی وی زده باشند کف کشد و بشیر دوشار کرد علاجش
آن باشد که بخون کاو سفید تعویذ بباید کرد تا صحت یابد
و اگر شیر خواره باشد علاجش آنست که از شانهٔ اوری باید زدن
و هم قربانی باید کرد و بخون قربان تعویذ باید نوشت تا صحت یابد
طلسم اینست

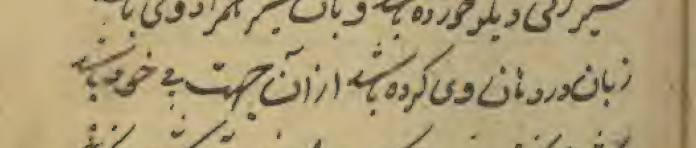

هر فرزند که بطالع میزان باشد علامت
چنین ظاهر شود جهت آن باشد که بواز شیر مادرش
شیر زنی دیگر خورده باشد و بآن شیر همزاد وی باشد
زبان درد مانی وی کرده باشد از آن جهت بی خوابی باشد
و شیر مادر نخورد و بسیار گریه علاجش آن باشد و بخوشه
کبوتر تعویذ بنویسند در گردن وی بندند و قربان
نیت کند طفل کند صحت یابد و اگر شیر خواره نباشد علامت
چنین ظاهر شود که شب و روز بر کنار آب رفته باشد
یا دیو دیده باشد علاجش آنست که قربان کند

بنویسند و صاحب این طالع اندام خود را بشوید و بواز آن

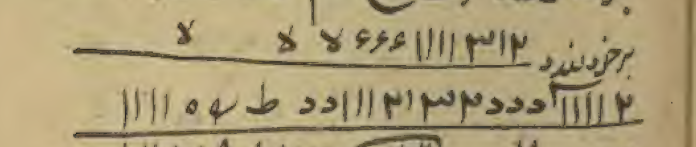

هر فرزندی که بطالع میزان باشد علامت
چنین ظاهر شود جهت آن باشد که بواز شیر مادرش
شیر زنی دیگر خورده باشد و بآن شیر همزاد وی باشد
زبان درد مانی وی کرده باشد از آن جهت بی خوابی باشد
و شیر مادر نخورد و بسیار گریه علاجش آن باشد و بخوشه
کبوتر تعویذ بنویسند در گردن وی بندند و قربان
نیت کند طفل کند صحت یابد و اگر شیر خواره نباشد علامت
چنین ظاهر شود که شب و روز بر کنار آب رفته باشد
یا دیو دیده باشد علاجش آنست که قربان کند

وبخون دل قربان نقوید باید گشت و کردن را بجزد مهتر باشد

طلسم اینست

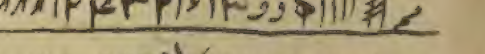

هر فرزند که بطالع وی عقرب
باشد اگر شیر خواره باشد علامت آنست که سهوارهٔ آن طفل را
براه نهاده باشند بران راه گذر کرده باشند و از خود فربه باشد علا
جش آنست که صدقه بدهد و بخون قربان نقوید بنوشند تا صحت
یابند و اگر شیر خواره نباشد جهت آن آنست که سنگ یا جوب بر آب
گرده باشد و بصورت نیک خود را بدو نموده باشند از آن جهت
بجزوی خود باشد و خواب مگر کند عزیمت بیابد خواند
و آب عزیمت در کوزه باید کرد و بخون کوسفند حی سیاه نقوید
باید نوشت و بر سروی باید بست تا صحت یابد بعد از آن
در آب روان ریزد و از نظر سگ سیاه سه روز نگه باید داشت
تا فایده یابد طلسم اینست

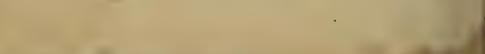

هر فرزند که بطالع قوس باشد
و شیر خواره باشد علامت جنین ظاهر شود جهت آن باشد
علاجش آن است که بخون کوسفند نقوید بنوشند رو بست راست
بندد و صحت یابد و اگر شیر خواره نباشد علامت آن است که استاده
رو بقبله شاشیده باشد و دایم در خجلت باشد علاجش اینست
که بخون جانور نر زاده باشد نقوید بنوشند و با خود دارد صحت یابد

طلسم اینست







هر فرزند که بطالع جدی باشد اگر شیر باشد در جایگاه
تاریک بر رهگذار حیوان خوابانیدند و جانوری بصورت
مار بروی گذر کرده باشد و ترسیده باشد از شدت کبود گردد و بر خود

کرده باشد و ترسیده باشد از شدت کبود گردد و بر خود

وبه خود کند آن چنان که اندامش آماسی کند که خوشی وکاه
ناخوشی باشد علامتش آنست که بنگ وزعفران وکوشت قربان
تعویذ باید نوشت وبربازوی وی بندند واگر شرخواره باشد علامت
آن آنست که به اختیار کم خورد وکاه زیاد وکاه هیچ نخورد
غربت باید خواند وتعویذ باید بگردن گاو سفید نگه تا محت باید
طلسم اینست

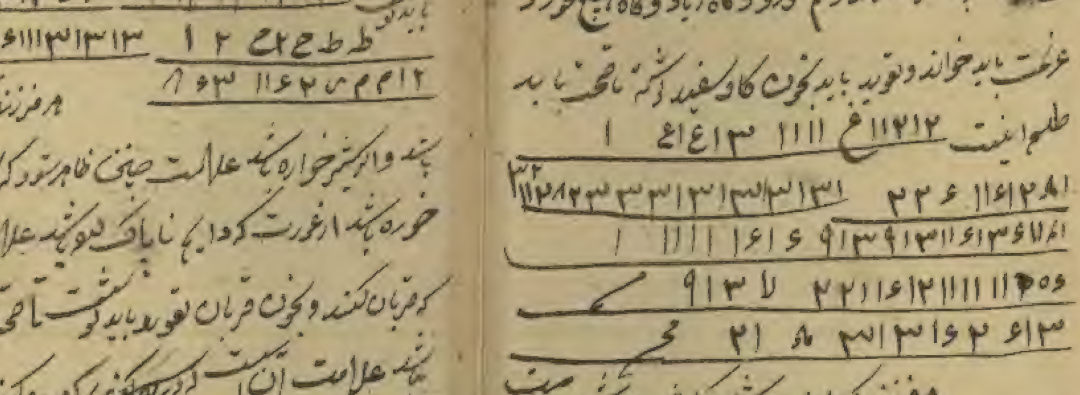

هرفرزند که بطالع دلو باشد اگر شرخواره باشد علامت
آنست که در چشم کسان خود بقایت شیرین نماید ونظر بدوی
بزگرده باشد علاجش آنست که بگردن جانور سیاه نه ساله تعویذ
باید نوشت تا محت باید واگر شیر نباشد از چنی ظاهر شود که شب
بسیار خیاک کند که خوشی باشد وکاه ناخوشی از درد سر واز درد

بنالد

بنالد علاجش آن است که زر که باید کشود بعد از آن بگردن
گوسفند ابلق جرسالد تعویذ باید نوشت تا محت یابد واز نظر
زنگوچک کرمان بلا اورزد کونه پیر مهتر باید کرد این طلسم آست

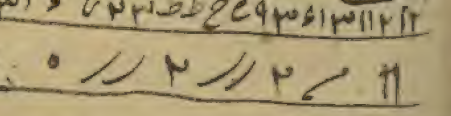

هرفرزند که بطالع جوزا باشد

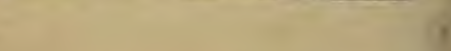

باشد واگر شرخواره باشد علامت چنی ظاهر شود که شیر ناپاک
خورده باشد از غربت که دایه ناپاک شیر دهد علاجش آن است
که قربان کند وبگردن قربان تعویذ باید نوشت تا محت یابد واگر شرخواره
باشد علامت آن است که در ره که کذری که در ره که کذری خفقه باشد
وبریدن آب دهنی خود را بدو اندک خفته باشد علاجش آنکه تعویذ
بیاید نوشت بگردن گوسفند سیاه وبربازوی راست بندد طلسم
اینست



تمام شد در دوم بخشنه

این دسار ابریشت آهو بنوشند و در غذای حیوانات نهند
و بر کودک بندند که بدخو نباشد و گربه بسیار کشد کرم او
کم شود باذن الله تعالی قوله تعالی ولا تمدن عینیك
الی ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحیوة الدنیا
والعاقبة للتقوی پس چون این ابریشم بنوشند و زن
در اول حمل جهل روز اثر با خود دارد و چون فرزند بزاید
اید اثر با خود دارد اثر بر کردن فرزند بندند
و آن فرزند بلنخ شود قوله تعالی ان الذین سبقت
لهم منا الحسنی اولئك عنها مبعدون لا یسمعون
حسیسها وهم فیما اشتهت انفسهم خالدون
لا یحزنهم الفزع الاکبر وتتلقاهم الملائکة
هذا یومکم الذی کنتم توعدون

بجهت سفر کردن اثر آهنی بخورد و بحق یتوکل
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لکل شیء قدرا خواص خاتم ذوالفقار
از جهت جمع امراض و علل برآرد بهند کابتی بخورد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۱۱ | ۴ | ۱ | |
| ۱۱۱ | ۱ | ۲ | ۹ |
| ۱۱ | ۲ | ۱۱۱ | ۱ |

موی تر بول الله خاکستری و در باتین افکنند
کاخون آید خون باز دارد باب هر طفل که خاك
بخورد بنوشند بکردن طفل اندازند دیگر خاك
وبقی فوت واتعب من مکان بعید
وحیل بینهم وبین ما یشتهون کما فعل
باشیاعهم من قبل انهم کانوا فی شك
مریب

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| اذ السماء | انشقت | واذنت | لربها | وحقت |
| والارض | مدت | والقت | مافيها | |
| وتخلت | واذنت | لربها | وحقت | |
| انه | من سليمان | وانه | بسم الله | الرحمن الرحيم |

باب ابتدئ زنان بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم بحق اسمائك الحسنى وصفاتك
العليا وبانك انت الله لا اله الا انت ان
تخرج وهذا الدعاء العلت من بدن هذا
المريض اسكن باداء وباعلة ان هبا
باذن الله من شر كل ذي مسكنك بالله ان
لبناء مسكن الرحم فيظللن ردا كده على
ظهره فان في الابايه كل ضباد شكور

اگر زنی

اگر زنی فرزند نشود و ایی دمار انبوشد و برکروی بندند و در ماب
جماع کنند فرزند حاصل شود بامر خدای تعالی هذا الدعای
هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو
یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله
یا الله یا الله یا حی یا حی یا حی یا حی یا حی یا حی یا حی
یا حی یا حی یا حی یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا قیوم
یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا قیوم یا قیوم دعای فاروق
بیش چرنی فرشته ایی ایه را بخواند اخرج یا ممن
رضوات بحق آدم صفی الله و نوح نبی الله و محمد المصطفی
صلعم حبب الله کما اخرج یونس من الظلمات الحوت

دعای ذکریا

بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص ذکر رحمة ربک عبده ذکریا اذ نادا ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا وانزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا

روایت کرده است که هر که این دعا را بخواند میباید که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور ثم النور واتی النور علی الطور فی کتاب

فی کتاب مسطور بقلم القدرة فی رق منشور علی النبی المحبور الحی القیوم الذی هو بالغنی موصوف وبالفجر منشور وعلی السر والضراء منکور وصلی الله علی محمد وآله الطیبین انی حرامت

باب کسی دون بخت حرمان بنویسند با خود نگاه دارد

بسم الله الرحمن الرحیم اطه ۱۱۱ ۵ ۲ دار ۱۱ ۲ طه ۱۱۱

۸ ۲۸ ۱۱۱ ۳ ۳ ۳ ۴ ۴ ۳ ۲ ۱۱۱ ۲۸ ۸ باطل اگر خواهی کسی را

بنشاند و نمیرد هند این طلسم را در ره کدام ایشان

دفن کنند که مهرال کرده از موده است ۲۱ ۱۱۱ ۹ ۲ ۲۱

۹۹ ج ۱۶ ۲ ۱۱ ۱۱ اگر خواهی مباشر بمیرد

صلح اندازی بنویس این طلسم را در بخور بنور نهند

چنانکه بتپش آتشی بوی رسد هرگز راضع شوند

ک ۱۱۱۰۹۱۹۹۹۹۹۹۳۶ ۱۸

ع ۱۱۶ روح ح ط و ۲ و ها

ک وط ۱۱۱۶ ۲ او ح ح

م ۱۲ ۸۸۵ ۱۹۰ ۱۶ ۸۸۴

م ه ه ه ه دو صلح صلح

صلح و دو صلح صلحا مطوح ولد ه

العجل العجل العجل الساعت الساعت هم فلان

باب زنده کشوهر او را نخواهد و زن او را نپوشد

بنویسند باب اندازد و شوهر دهد نافع باشد

۱۱۱۱۱ ۱۱ ۲۶۳ ۱۱۶ ۱۱۸

۱۱۱۹ ۱۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۰۵۵ تمام شد

ماه شخص را که ریشوار و مهم عظیم میباشد بعد از غار مفتوح کرده باشی بخش

نمره ۲ انیس خود را بدست خیب بنویسد و اگر اول نفس

۲ او را در خواب نماید مهب مهب مهب مهب مهب

مهب مهب مهب مهب مهب مهب مهب مهب مهب مهب

اول در رکعت نماز یکبار و در رکعت دوم بعد از حمد سی بار سورت

قل هو الله احد بخواند و در رکعت چهارم سی بار سورت انا انزلناه

فی لیلة القدر بخواند بعد از سلام تسبیح بگوید و سلام تمام ماه

از خانه چهار خشم برخم نوشته اگر آن خانه است بر میان حویلی

و اگر خواهد که در میانه او زند تخم نرخ سیاه بهتر است

از نموده است جاءت فجمعت الفجمعت الترکت

کذلک العین العین العین بسم الله و بالله و علی

اسم الله العین العین العین کیه تی آک محکیفه

انکه انزکه

فصل سیم در بیان تاج و ابدی او بدانکه خدای
میفرماید وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا
سبعة ابواب یکصد تاب بنهم ج و مفهوم
بفرمود ستر که تاج حاکی است و مقام کارات
و همه ای جمع آید و تاج خراسانی است و همه
حل زنده معین باشد و بر هر در هزار سر بر ده باشد
و در هر سر بر ده اشش هفتاد هزار شود
از آتش و در هر شهر هفتاد هزار کشید
از اتش و در هر کشید هفتاد هزار کوشک از

از آتش و در هر کوشک هفتاد هزار خانه از آتش
و در هر خانه هفتاد هزار تخت از آتش
و در هر تخت هفتاد هزار فرش گسترده و بالای فرش
هفتاد هزار تاج خراسانی و بر تاج هفتاد هزار
قبه زرین و در هر قبه ای سی و دو حور العین
که حد بنفشه گف پاهای حور از هفت طبقه آفریدم و در هر طبقه
هفتاد هزار ایوان و در هر ایوان هفتاد هزار
خانه و در هر خانه هفتاد هزار تخت و در هر
تخت هفتاد هزار فرش و بالای فرش هفتاد
هزار بالش و در بالش هفتاد

اظهار کردم است و بهر ما بیابه بلندی کوه طور باشد
یا هر شب همه شب کان و غافلان دریا کار
دریا خواران و خمر خوران و سخن خوان جمع
کنیم و در اینجا نهاد آریم و بر این تن الحق
ما سلطان و کدخدا نیز سلطان نمایم تا نخورند ان را
نداند که کدخدا و سلطان بر خوان بوده اند باید کرد
خدا بنا خطاب کرد که ابوسر یحیی را بگو
فرخ را بنویسم بر سر کف ابوسر یحیی
فرخ را بهفت طبقه آفریدم الگر خیانتی

هفت طبقه زمین آسمان را در طبقه از فرخ
اندازد چنان بود که انگشتری در دریایی
محیط افتد بار دیگر خطاب آمد که
ابوسر اگر بفرمایم که یک آدم از فرخ
در آرند و در شرف بازدارند تمام اهل
مغرب از کوی بمیرد و اینحال از بهر آنست که
یک شخص که چنان کردیم در وقت
صبح آمدن رسول ص فرمود که در شب
معراج خدا بتعالی فرخ را بمن نمود

وجمع فرشتگان ... دیدم که این نزد زبانه
فارخ و کوبند و سخت و هیبت و مهیب و هر یک
گرزی از آتش در دست نهاده و آهن فارخ را عذاب
سخت میکنند قومی را بهمان گونه دیدم و قومی را
پشت و پهلو داغ میکردند و قومی زبان را
به پستانهای دو بهمان آویخته و بعضی را زبانها از قفا
بیرون کشیده و بعضی را علتها در گردن نهاده
و در روایت دیگر آمده که پیغمبر صلعم فرمود که روزی
از برادرم جبرئیل پرسیدم از فارخ در جلیل گفت

بالکه بدان خدایی که ترا براستی بخلق
فرستاده است اگر یکی از آنش فارخ در میان
افتد زمین و هرچه در روی است بسوزد و اگر
نان آن گرزی که بر سر فارخ زنند افریده است اگر
یکقطره بر زمین افتد جمله طعامها و آبها و آبها
ایشان تلخ شود و دیگر از فارخ یکی را
در میان زمین و آسمان نزدیک دیدم
تشنه و معذب از گرسنگی و تشنگی

بابی طلسمات است عجیب این شکل چهار در چهار که عدد هر چهار خانه رسمی
که شمارد سمی چهار است و بر باز نور است کوشک بندد صلا
نیاورد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱۳ | ۲ | ۳۳ | ۱ |
| ۵ | ۱۱ | ۱۰ | ۵ |
| ۱۲ | ۲ | ۶ | ۹ |
| ۱ | ۱۴ | ۱۵ | ۴ |

ابدا نکنی این کتاب فال نام آن از اسماء چیزی هر که خواهد که شر نفع و بداند چشم بر ام بگذارد
و نیت کند انگشت سبابه بر روی این دایره بگذارد و بر روی هر اسم که باید عمل نماید
هر که شمار این آورد کاو تعلق بود بالا

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| آدم | شیث | ادریس | نوح | هود | صالح | شعیب |
| یعقوب | یوسف | ابراهیم | اسمعیل | سلیمان | ایوب | اسحق |
| موسی | هارون | خضر | یحیی | قال نوح قال الله تعالی ولیضعوا الفاظ | | |
| عیسی | عیسی | یونس | محمد ص | وکل علیه السلام اعلم والله تعالی | | |

خواهد و تو قبول نکنی و نفرین کنی و زبان تو نه پذیرد و سخن تو نه قبول کند و
تو از همه انسان چنانی نوح علیه السلام در جهان تو نگوید و سخن تو نه قبول
منکر شوند و نفرین از آنی شقیقه آنکه بلاء تو نرسد اما تو بر دل تنگ باشی
و بیمار باشی بر دل تو بار باشد اما تو بر دل تنگ باشی و بیمار باشی
اما اندک زمانی صحت یابد اما تو بر دل تنگ باشی و بیمار باشی
و عزت تو نه پذیرد و از آن صحت نیابد و عقاب خیزد
خوشی نشود و از آن شاد نشود و چشم تو روشن نشود و از آن

بر تو بشارت رسد باید که بر تو بشارت رسد باید که بر تو بشارت رسد
بیرون رود و بشارت نیابد و بشارت نیابد و بشارت نیابد
اما اگر بشارت نیابد و بشارت نیابد و بشارت نیابد
نفس عزیز فرو فرو ماند اگر آب بخل بخل و فرو بر تو سم سکند و ۱۹ از سرد ماه تو ۹ تو
میرود زند اما تو ۹ تو ۹ تو ۹ تو ۹ تو ۹ تو ۹ تو ۹ تو ۹ تو ۹ تو ۹
برکه مقصود که دارد بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر
دارد روز روز روز روز روز روز روز روز روز روز روز روز روز روز
نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان نشان
بدار که بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر بر
نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه نشانه

اگر حیوانی نظر بسیده باشد ذبح کند و شه بر بیابانی حیوان زنده صحت یابد

جاءت فجعه العلوك الصجعه كذلك يشفى المعين

فكيه فى كفيه اتى كوباب الكرب فكان من الغرقى

برياني بوسند شفا يابد انا الله و انا اليه راجعون اسكن ادم الجنى الدم و

محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم باسمه واحد باب

دعاى كاوبد بخوانند اين دعا را بخوانند برياني كاه و بيندند تسم الله الرحمن الرحيم

يعلم من فى السموات والارض قولا و فعلا و كلها و اليه ترجعون

برحمتك يا ارحم الراحمين

لا يضر مع اسمه في الارض ولا في السماء وهو
السميع العليم فخرج البصر هل ترى ثم ارجع البصر
كرتين ينقلب عليك البصر خاسئا وهو حسير
بحق فيض صفات سبوح هليوم ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠

ازجهت طلبش دل اهم عاجز اند اخته بخورد واهم نگاه دارد بسيار مجرب

هو هو هو هو هو هو اسكن اسكن اسكن ١١١ ١١١ ١١١
كلها اسكن لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم يا
هركي را از سر خرر سيده باشد چشم يا دمل در كج شده باشد انس دهد
نوشته بر پشت او بجيد الله ابه در ساعت چاق شفه بحق جبرائيل وبحق
ميكائيل وبحق اسرافيل وبحق عزرائيل وصل الله على سيدنا
محمد وآله اجمعين بحق يا ايها الرحمن يا ذا الجلال
الولايا النصراء البلا اصراف بحق النحطل الطاغوت
عن الطول الطاغوت والذالالت والغوايا
بحق